

برزخ از نظر لغت و اصطلاحات

کلمه (برزخ) معمولاً در محاورات، همراه با کلماتی مثل (مابین)، (مابینهما) بکار می رود، مثلاً گفته می شود: (برزخ ما بین این دو) یا (برزخ بین دو چیز) و یا (برزخ بین دنیا و آخرت) و در قرآن شریف آمده است:

(بینهما برزخ لا یبقیان)^۱ (و جعل بینهما برزخاً و حجراً محجوراً)^۲

مشاهده می شود که، (برزخ) در دو آیه فوق همراه با کلمه (بینهما) به کار رفته است و این بدان علت است که (برزخ) در لغت به معنای (حاجز و مانع) است، و حاجز و مانع در محاورات یک معنای مستقلی نیستند، درست مثل معنای (فی) در عربی و کلمه (در) در فارسی است. اگرچه این دو کلمه به خودی خود دارای معنا و مفهومی هستند [یعنی: تو، داخل، درون] اما این معنا، معنای مستقلی نیست و برای تمام شدن معنای آن احتیاج به کلمه و یا کلمه های دیگر است، مثل اینکه می گوئیم: (در خانه، در مدرسه و ...) که کلمه (در) همراه با (خانه و مدرسه) توانسته است معنای خود را ایفا کند. روی همین حساب اگر معنای لغوی (برزخ) حاجز و مانع باشد باید معلوم شود حاجز میان چه و چه چیزی، و یا مانع میان کدام دو چیز.

برزخ در کتب لغت

۱- برزخ مانع میان دو چیز است، و زمان میان دنیا و آخرت از هنگام مرگ تا قیامت.

۱- سوره ۵۵ آیه ۲۰

۲- سوره ۲۵ آیه ۵۳

۲- برزخ مانع و حد فاصل بین دو چیز است، و برزخ در قیامت همان فاصله بین انسان و رسیدن او به درجات رفیع در آخرت است، و از همین باب است فرمایش خداوند که فرموده: (پشت سر اینها) (مردگان) برزخی است تا روز قیامت.

۳- برزخ مانع بین دو چیز است، و در این حدیث از امام صادق (ع) که فرمود: (من از هول و سختی برزخ برای شما می ترسم) مقصود همان زمانی است که فاصله میان دنیا و آخرت از هنگام مرگ تا قیامت است. پس هر کس که مرد، داخل عالم برزخ می شود، و از همین باب است حدیثی که فرموده: (همه شما در بهشت هستید جز این که من از عالم برزخ شمامی ترسم، سوال شد: برزخ چیست.؟

حضرت فرمود: (قبر است از زمان مرگ تا قیامت)

عالم برزخ کجاست؟

طبق مطالب قبل فاصله زمانی بین مرگ و قیامت عالم برزخ نامیده شد که مردگان تا برپایی قیامت در آنجا بسر می برند اینک به این نکته میپردازیم که: آیا عالم برزخ جز این عالم است، یعنی آیا عالم برزخ در همین دنیا است و مثلاً همین خورشید و ماه بر آن طلوع و غروب دارد، و ارواح اموات چه مومن و چه کافر در روز این عالم یک حالت و در شب این عالم دارای حالت دیگری هستند؟ یا اینکه طلوع و غروب خورشید برای اهل این دنیا تاثیر دارد و شب و روز برای برزخیان تاثیری ندارد؟

۱- عالم قیامت هنوز بر پا نشده و یکی از مقدمات برپایی آن نابودی نظام این عالم است و به تعبیر

قرآن قیامت وقتی برپا می شود که:

۱) اذالشمس کورت، واذالنجوم انکدرت، واذالجبال سیرت، و... واذالبحار سجرت...^۱

اذالسماء انفطرت، واذالکواکب انتثرت، واذالبحار فجرت، واذالقبور بعثرت...^۲ (واذا وقعت الواقعة،

لیس لوقعتها کاذبه، خافضه رافعه، اذا رجت الارض رجا، و بست الجبال بسا، فکانت هباءً منبثا)^۳

خورشید منکدر و نابود شود، ستارگاندر هم بریزند، کوه ها غبار پراکنده شوند، دریاها دگرگون

شوند، ستارگان درهم و برهم شوند، قبرها زیر و رو شوند، زمین آنچنان به خود بلرزد که کوه ها

مانند پنبه زده شوند و زمین مانند غباری خفیف شود و ... اینها همه علائم فروپاشیدن نظام این

عالم است و باید بدانیم تا این نظام وجود برپاست، عالم قیامت برپاننده و مردگان در عالم دیگری

بنام «عالم برزخ» بسر می برند.

۲- در جای خود ثابت است که این خورشید و ماه در عالم قیامت وجود ندارند و خداوند متعال

عالم قیامت را به وسیله نیروی دیگری روشن می کند و البته در آن هم اختلاف است که آیا نور و

روشنایی قیامت، بوسیله اعمال صالح هر شخص و آنهم برای خود اوست.

در صور دمیده می شود و همه آنهایی که در آسمان و زمین هستند از بین می روند مگر آنهایی را که

خدا نمی خواهد. (پایان دنیا)، برای مرتبه دوم در صور دمیده می شود، آنگاه است که قیامت برپا

می شود و زمین قیامت بنور پروردگارش روشن می شود و ...).

در اینجا به نقل چند حدیث پیرامون این موضوع می پردازیم:

۱- سوره ۸۱ آیات ۱ تا ۶

۲- سوره ۸۲ آیات ۱ تا ۴

۳- سوره ۵۶ آیات ۱ تا ۶

۱- مرحوم شیخ کلینی در کافی به نقل از علی بن ابراهیم آورده است:

«حسین بن میسرگفت: از حضرت صادق (ع) در مورد بهشتی که حضرت آدم (ع) در آن بوده سؤال کردم. حضرت فرمودند: آن باغی است از باغهای دنیا که خورشید و ماه بر آن طلوع و غروب می کنند، و اگر از باغهای قیامت بود هرگز آدم (ع) از آن خارج نمی شد.

و حدیث فوق از چند جهت قابل توجه است:

- حضرت آدم (ع) در آن بهشتی که در عالم قیامت وعده داده شده خلق نشده و آن بهشت را مشاهده نکرده است.

- در جایی از این دنیا بهشتی وجود دارد که قابل رؤیت و مشاهده انسانهای عادی نیست و نمی توانند به آن جا رفت و آمد کنند و در حقیقت می توان گفت: آن بهشت در عین حالی که در دنیاست ولی برای بشر از عالم غیب محسوب است و البته باید توجه داشت که منحصر به کره زمین و چند صد کیلومتر اطراف آن نیست.

همین خورشید و ماه، آن بهشت را روشن می کنند و بر آن طلوع و غروب دارند و بهترین «الف و لام» دلیل عهد حضوری است که حضرت بر کلمه «شمس و قمر» در آورده و در حقیقت مثل این است که فرموده باشند: این خورشید و ماه بر آن طلوع و غروب دارند، و گرنه باید «شمس و قمر» را بدون «الف و لام» و با تنوین ذکر می کردند و می فرمودند: «شمس و قمر» یعنی ماه و خورشیدی بر آن طلوع و غروب دارند.

برهوت کجاست

یکی از مباحثی که در ارتباط با عالم برزخ مطرح است «برهوت» است. برهوت مانند وادی السلام جایگاه ارواح پس از مرگ است، با این تفاوت که جایگاه ارواح مؤمنین وادی الاسلامو جایگاه ارواح کفار، مشرکین و منافقین در برهوت است.

بدترین آبهای روی زمین آبی است که در برهوت است و آن در بیابان حضر موت واقع است، ارواح کفار را به آنجا می برند.

رسول خدا (ص) فرمود: بهترین آبهای روی زمین آب زمزم، و بدترین آبها، آب برهوت است که در بیابان حضر موت واقع شده ارواح کفار با بدن های مثالی خود به آنجا منتقل می شوند.

امام صادق (ع) فرموده است: پشت «یمن» بیابانی است که به آن وادی حضر موت می گویند، در

این بیابان از جانداران به جز مارهای سیاه و جغد، موجود زنده دیگری یافت نمی شود. سپس

فرمود: در این بیابان چاهی است که به آن «بلهوت» می گویند، این بیابان محل سکونت ارواح

مشرکین است، آنها به آن چاه رفت و آمد می کنند و از آب آن چاه که مانند چرک و خون است می آشامند.

جایگاه پیامبر (ص) و ائمه طاهرین (ع) در عالم برزخ

راوی حدیث ابوبصیر است، می گوید: حضرت صادق (ص) اشاره ای فرمودند و خداوند با دست

قدرت خود دریائی نمایان فرمود که روی آن چند کشتی از نقره وجود داشت حضرت سوار شدند

من هم همراه آن حضرت سوار شدم، مقداری راه رفتیم تا به جایی رسیدیم که تعدادی خیمه سرپا

بود، حضرت از کشتی پیاده شدند و به داخل یکی از خیمه ها رفتند و بعد از چندی از آن خیمه

خارج شدند و پیش من آمدند و فرمودند: آن خیمه ای که در آن داخل شدم دیدی؟ گفتم بلی یا

ابن رسول الله، فرمود: آن خیمه از رسول خدا (ص) بود و خیمه بعدی از علی بن ابیطالب است و خیمه سوم حسن مجتبی و ششم از امام حسین و خیمه هفتم از امام سجاد و هشتمین خیمه از پدرم امام محمد باقر و خیمه نهم از من است. آنگاه فرمود: نمی شود یکی از ما بمیرد مگر اینکه برای او خیمه ای است که در آن سکونت خواهد نمود.

آنچه از حدیث فوق [بر فرض صحت صدور آن از معصوم] در این مورد استفاده می شود این است که: ائمه هدی نیز در عالم برزخ در جایگاه مخصوص به خود می باشند، و اینکه حضرت صادق (ع) عالم برزخ را از عوالم غیب است برای ابوبصیر ظاهر نموده یکی از کرامات و معجزات آن حضرت است.

زیارت اموات و اهل قبور چیزی است که بین اقوام و ملل دنیا مرسوم است، حتی اقوامی که به سوزانیدن اجساد خود اموات خود معتقدند پس از سوزانیدن اجساد، خاکستر آن را در جعبه و یا جای مخصوصی قرار می دهند و هرچند وقت یکبار برای ادای احترام به آن مکان می روند و گاهی هم با روشن کردن شمع و چراغ در آن مکان روح مرده خود را شاد می گردانند.

مسلمانان جهان که افتخار پیروی همه جانبه از حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله علیه واله وسلم و وصیاء طاهرین آن حضرت را دارند با تبعیت کردن از آن بزرگواران و الگو قرار دادن آنها به اعمال خود مهر صحت زده اند.

مشروعیت زیارت اهل قبور از نظر سیره پیامبر و امامان (ع)

۱- مرحوم مجلسی به نقل از کتاب کامل الزیارة از صفوان جمال آورده است:

صفوان گفت از حضرت صادق (ع) شنیدم که فرمود: کار دائمی پیامبر خدا (ص) این بود که عصر هر پنجشنبه با عده زیادی از اصحابشان به قبرستان بقیع در مدینه می رفتند و اهل قبور را زیارت می کردند.

کار مستمری حضرت فاطمه زهرا (ع) این بوده که: هر صبح شنبه به زیارت قبور شهداء می رفت و از جمله بر مزار حمزه می رفت و برای او طلب رحمت و مغفرت می کرد.

حضرت صادق (ع) فرمودند: جدم امیر المؤمنین (ع) فرمود: مرده های خود را زیارت کنید؛ زیرا آنها از رفتن شما به زیارت قبورشان خوشنود می شوند.

باقیات الصالحات

معنای «باقیات» ضد «فانیات» و آنها جمع «فانیه» و مؤنث «فان» می باشد و معنای آن: فانی شدنی ها و از بین رفتنی ها است. پس «باقیات» یعنی: ثابت ماندنی ها و در قرآن شریف آمده است: «ما عندک ینفد و ما عندالله باق» یعنی چیزهایی که پیش شماست [مانند: اموال دنیا، ریاست دنیا و ...] از بین رفتنی است و آنچه پیش خداست [مانند: کارهای خیر و خوب و یا کارهای شر و ناپسندی که انسان در دوران عمر خود انجام می دهد] ثابت و ماندنی است.

«صالحات» نیز به همین منوال جمع «صالحه» و مؤنث «صالح» می باشد و معنای آن در فارسی «نیکوست» و در مقابل «زشت» قرار دارد. «باقیات الصالحات» را به این اعتبار جمع مؤنث آورده اند که این دو واژه صفت برای «اعمال» قرار می گیرند؛ مثلاً می گوئیم: «الاعمال الباقیات الصالحات» یعنی کارهای «ماندنی نیکو» و در مقابل آن، کارهای ماندنی غیر صالح است.

اصولاً اعمال نیکو و یا زشت، در مقایسه با شخص انسان یا اموال دنیا که از بین رفتنی هستند، باقی و ثابت است؛ مثلاً وقتی انسان، بیمارستانی که مورد احتیاج جامعه است بسازد، این عمل در مقابل شخص انسان و اموال دنیا و مقامهای آن که از بین رفتنی هستند، ماندنی و باقی و ثابت است و به این عمل، عمل خیر و عمل صالح می گویند و در مقابلش مثلاً ساختن مراکز فحشا و منکرات است که در آن گناه و معصیت خدا شود. این عمل نیز باقی استولی عمل فاسد است. اعمال نیک و بدی که از انسان به عنوان یادگار می ماند تا هنگامی که دیگران از آن بهره می برند عامل نیز در ثواب و عقاب با آنان شریک است؛ مثلاً اگر انسان در طول حیات خود بانی ساختن مسجد، مدرسه، حسینیه، بیمارستان، آسایشگاه، آب انبار، پل و راه شده و یا هر عمل خیر دیگری انجام دهد و یا عامل ایجاد فاحشه خانه، قمارخانه، میکده، باشد و هر عمل شرّ و زشت دیگری انجام دهد تا زمانی که آن بنا برجاست و مردم از آن بهره می گیرند، خداوند سازنده آن را نیز در ثواب و یا عقاب اعمال دیگرانی که در آن مکان عمل خیر و یا شرعی انجام می دهند شریک می گرداند، گرچه او مرده باشد.

۱- مرحوم صدوق (ره) از حضرت صادق (ع) آورده است:

حضرت صادق (ع) فرمودند: شش عمل از مؤمن به یادگار می ماند و او از ثواب آن بهره مند می شود: اول: فرزند صالحی که برای او استغفار کند، دوم: کتابی که از خود به یادگار بگذارد، سوم: درختی که بنشانند، چهارم: جوی آبی که جاری کند، پنجم: چاهی که حفر کند و دیگران از آن بهره برداری کنند، و ششم: روش خیری که از خود بگذارد و مورد استفاده دیگران شود.

حضرت صادق (ع) فرمود:

رسول خدا (ص) فرموده اند: حضرت عیسی بن مریم (ع) به قبری عبور کرد و صاحب آن را در عذاب خداوند معذب دید، سال بعد که مجدداً عبورش به آن قبر را آزاد از عذاب خدا دید، از روی تعجب گفت: خدایا صاحب این قبر سال گذشته در عذاب تو بود چرا امسال عذاب از او برداشته شده؟ خطاب آمد: ای روح خدا، او پسری داشت که امسال به تکلیف الهی رسیده، او برای مردم راهی ساخته و یتیمی را پناه داده است، ما نیز به پاس عمل صالح او پدر را بخشیدیم.

حضرت امام محمد باقر (ع) از رسول خدا (ص) نقل فرمودند که آن حضرت به مردی فرمود: اگر هنگام شب و هنگام صبح بگوئی: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» خداوند در مقابل هر تسبیحی که بگوئی ده درخت میوه از انواع میوه های بهشتی برای تو قرار می دهد. و سپس فرمودند: این تسبیحات «باقیات الصالحات» است.

فایده خیرات برای اموات در عالم برزخ

کلمه «خیرات» از نظر لغت، معنا و مفهوم وسیعی دارد و به هر کار خوب و مورد پسند ائمه و رهبران دینی گفته می شود. کارهایی از قبیل: نماز و هر عبادت دیگر، دستگیری زیر دستان و بینوایان، دادن صدقات، انجام کارهایی که منافع اجتماعی دارد مانند: ساختن پل، جاده، مدرسه، مسجد، آب انبار، بیمارستان و ... کارهای نیک و مورد پسند است و به آن خیرات گفته می شود. خیرات و صدقاتی که برای اموات فرستاده می شود منحصر به دادن مبالغی وجه نقدی یا مقداری نان و خورشت نیست و انسان می تواند از هر کار خیری که انجام می دهد، قصد خیرات و صدقات برای اموات خود بکند. در حدیث از قول حضرت خاتم الانبیاء (ص) آمده است: «هر

معروف و کار نیکی صدقه است». بنابراین هر کار پسندیده و نیکویی که به قصد تقرب به خداوند متعال انجام شود، صدقه و خیرات است.

مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه به نقل از امام صادق (ع) آورده است:

راوی حدیث گفت: از حضرت صادق (ع) پرسیدم: می توان به جای مرده نماز خواند؟ حضرت فرمود: بلی، سپس فرمود: ممکن است میت در نگرانی و غم اعمال گذشته خود باشد و این عبادتی

که به جای او انجام می شود جبران کمبود او را بکند و وی را از نگرانی نجات بدهد.

مرحوم محدث قمی در سفینه البحار به نقل از رسول خدا (ص) آورده:

کسی که وارد مقبره مؤمنین (قبرستان) شود و سوره مبارکه «یاسین» را بخواند خداوند به اموات آن قبرستان تخفیف [در عذاب یا نگرانی] می دهد.

رسول خدا (ص) فرمودند: میتی که نزد او سوره مبارکه «یاسین» خوانده شود سختی های عالم برزخ و قیامت بر او آسان می گردد.

بخشی از ویژگی های عالم برزخ

مطابق روایات متعدد، «سؤال قبر» که یکی از ویژگی های عالم برزخ است، مربوط به کسانی است که ایمان خالص و یا کفر خالص دارند، ولی سایر مردم، سؤال قبر ندارند.

البته این مطلب به آن معنی نیست که دسته سوم برزخ ندارند.

بلکه تنها در مورد سؤال قبر، معترض آنها نمی شوند، ولی از روایات، فهمیده می شود، که «فشار قبر» به عموم مردم (چیز اندکی از اولیاء خدا) می رسد.

امام صادق (ع) فرمود:

لا یسئل فی القبر الا من محض الایمان محضاً، او محض الکفر محضاً و الآخرون یلهون عنهم

«در قبر، سؤال نمی شود مگر از کسانی که ایمان خالص، یا کفر خالص دارند، و از افراد دیگر

صرف نظر می شود»^۱

سؤال دو فرشته نکیر و منکر در قبر

وقتی انسان از دنیا رفت، مطابق روایات بسیار، دو فرشته به نامهای «ناکر» و «منکر» و یا «نکیر» و

«منکر»، به سراغ او می آیند، و با طرح سؤالاتی به بازجویی می پردازند، و در حقیقت نخستین

دادگاه او، بعد از مرگ شروع می شود.

عجیب اینکه رسول خدا (ص) فرمود:

ان القبر اول منازل الاخره فان نجا منه، فما بعده ایسر منه، و ان لم ینج منه فما بعده لیس اقل منه

«قبر، نخستین منزل، از منزلهای آخرت است، اگر انسان در این منزل، نجات یافت، راه نجات در

منزلهای بعدی، آسانتر است، و اگر از این منزل نجات نیافت، راه نجات در منزلهای بدی، کمتر و

سهل تراز آن نیست»^۲

۱- فروع کافی، ج ۳، ص ۲۳۵- باب المسأله فی القبر و من یسال و من لایسئل، حدیث ۱، همچنین

از حدیث ۲ و ۳ و ۴ نیز همین مطلب فهمیده می شود.

۲- بحار، ج ۶، ص ۲۴۲.

طبق بعضی از روایات، این دو فرشته وارد قبر می شوند، یکی در جانب راست مرده قرار می گیرد

و دیگری در جانب چپ او.^۱

و از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: وقتی که جنازه انسان را دفن می کنند، دو فرشته به نام

نکیر و منکر، نزد او می آیند، که صدایشانمانند رعد غرنده، و چشم هایشان مانند برق خیره کننده

است، که زمین رار با نیش های خود می شکافند، و پاهای خود را با موهای خود به شدت بر زمین می کوبند و به سوی مرده می آیند.^۲

البته چگونه برخورد آنها با میت، بر اساس میزان ایمان و انحراف او است، و چهره آنها در برخورد با مؤمن خالص، با چهره آنها در برخورد با کافر خالص، تفاوت دارد، چنانکه ابوبصیره از امام صادق (ع) پرسید: «آیا این دو فرشته بر مؤمن و کافر، به یک صورت، وارد می شوند؟»

امام صادق (ع) فرمود: «نه»

و نیز باید توجه داشت که پاسخ میت به سؤالات نکیر و منکر، بر اساس همان روحیه و باطنی است که او در دنیا داشته است.

داستانی از جهان برزخ نشانگر اوضاع آن جهان

۱- عذاب دروغگو در عالم برزخ

پیامبر (ص) فرمود: شخصی نزد من آمد و گفت: «برخیز»، برخاستم و با او به جایی رفتم، در آنجا

۱- فروغ کافی، ج ۳، ص ۳۳۸.

۲- فروغ کافی، ج ۳، ص ۲۳۸ و ۲۳۶.

۳- فروغ کافی، ص ۲۳۹

دو نفر، یکی ایستاده و یکی نشسته دیدم، آن شخص ایستاده، یکی انبرآهنی بزرگی در دست داشت و به دهان آن شخص نشسته می گذاشت، و دو طرف دهان او را بانبر می گرفت و می کشید، به طوریکه به هر طرف می کشید آن شخص نشسته به همان طرف خم می شد، من از آن شخص که مرا صدا زد و مرا از جای خود بلند کرد، پرسیدم: این صحنه چیست؟

گفت این شخص نشسته، در دنیا دروغگو بود (و بی توبه از دنیا رفت) اکنون در این عالم (برزخ) تا فرارسیدن قیامت، همواره این گونه عذاب می شود.

امام صادق (ع) فرمود:

شخصی از احبار (علمای خوب یهود) از دنیا رفت، س در عالم قبر (فرشتگان او را نشانند، چند فرشته به او گفتند: می خواهیم «صد تازیانه به تو بزیم» او جواب داد: طاقت ندارم.

گفتند: ۹۹ تازیانه به تو می زنیم، او باز جواب داد طاقت ندارم.

به همین ترتیب (چون آدم خوب بود) یک یک کم کردند، تا اینکه گفتند: «یک تازیانه را حتماً باید بخوری».

او گفت: چرا، مگر من چه کرده ام؟

به او گفتند: «زیرا تو یک روز بدون وضو نماز خواندی، و بر یک شخص مظلومی گذشتی، ولی او را یاری نکردی، به خاطر این دو خصلت باید تازیانه بخوری».

به او یک تازیانه زدند، بر اثر آن قبرش پر از آتش گردید.^۱

۱- ثواب الاعمال شیخ صدوق، ص ۱۱۱- بحار، ج ۶ ص ۲۲۱..

علاقه خاص آیت الله حائری به کربلا و رسیدن او به مراد، در عالم برزخ

مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) مؤسس حوزه علمیه قم، در سنین بین

هفتاد و هشتاد، ر بهمن ماه سال ۱۳۵۱ شمسی [۱۷ ذی قعدة ۱۳۵۵ هـ ق] وفات کرد، قبر شریفش در

مسجد بالاسر، کنار مرقد حضرت معصومه (س) در قم است..

دوران تحصیلات و تدریس او در نجف اشرف و سامره و کربلا و سپس اراک و قم بود، این مر بزرگ در سال ۱۳۴۰ قمری به قم آمد (عجیب اینکه نام شریف او «شیخ عبدالکریم الحائری الیزدی» به حساب ابجد، مطابق با ۱۳۴۰ است)

او در همین سال، حوزه علمیه قم را تأسیس کرد و بنیان یک حوزه علمی وسیع را در آن سال در سرزمین مبارک قم پدید آورد.

او علاقه خاصی به کربلا داشت، می گفت: «من آرزو دارم باز به کربلا بروم و آرزو بر جوانان عیب نیست» (این کلمه را به صورت مزاح می گفت)

و می فرمود: «افسوس دیگر نمی توانم به کربلا بروم، با این باری که از امور مادی و معنوی مردم بر دوش من است».

گرچه تا آخر عمر نتوانست به کربلا برود، ولی در خواب مسلم دیده شده که روح آن مرد بزرگ، پس از وفاتش به کربلا و عتبات رفته است، در اینجا به ذکر دو خواب می پردازیم.

۱- آقای حاج آقا شمسی الضحی اراکی، در همان شب فوت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) در خواب می بیند، آیت الله حاج میرزا مهدی بروجردی (محرر و سرپرست

امور بیت مرحوم حائری) به ایشان تلفن کرد که آقای حاج شیخ (عبدالکریم) به اراک می آیند که از آنجا به کربلا بروند، و شمس الضحی در عالم خواب مشاهده می کند که آقای حاج شیخ

(عبدالکریم) بهخانه کوهورد (قریه ای نزدیک اراک) آمدند و از کنار دیوار باغ، به طرف آسمان اوج گرفتند و به سوی کربلا رفتند، که همراه ایشان کسی یا کسانی نیز بودند.

۲- آیت الله حاج سید علی لواسانی، در آن وقت در نجف بود، همان شب فوت حاج شیخ

عبدالکریم، در خواب می بیند، مردم برای استقبال جنازه به طرف بازار بزرگ و جانب دروازه

نجف اشرف می روند، ایشان می پرسیدس مردم برای چه بیرون آمده اند؟

می گویند: جنازه حاج شیخ عبدالکریم را می آورند».

منابع :

۱- سوره ۵۵ آیه ۲۰

۲- ثواب الاعمال شیخ صدوق، ص ۱۱۱- بحار، ج ۶ ص ۲۲۱..

۳- فروغ کافی، ج ۳، ص ۳۳۸.

۴- بحار، ج ۶، ص ۲۴۲.